«الاغانی» دائرة المعارف شعر و موسیقی

مشایخ فریدنی، محمدحسین

عرب پیش از اسلام، از هنر موسیقی اطلاع درستی نداشت و آوازهایی که می‏شناخت عمده«نصب»و«حدا» بود.یعنی نغمه‏هایی که شتربانان با گام زدن شتران ترنم می‏کردند و صدای خود را تحریر و ترجیع می‏دادند. بیت‏هایی هم در مجالس انس به وزنهای سبک، همراه با رقص و پای‏کوبی به صورت جمعی می‏خواندند که«هزج»نام داشت.اشعار عروضی و آهنگینی که از شعرای جاهلی روایت شده از وجود بعض انواع موسیقی حکایت می‏کند و اخبار کنیزکان رامشگر(قیان)، که آنان را در میدان جنگ نیز همراه می‏بردند.همچنین قصه‏های رامشگران مکّه و طایف در تاریخ معروف است منتهی کیفیت و پرده‏ها و راههای نغمه‏های قدیم عربی و احوال مغنیّان قبل از اسلام بر ما مجهول است.سفرهای اعثی قیس ملقّب به صنّاجة الطرب(متوفی در سال هفتم هجری)به تیسفون و آواز خوانی او برای کسری و وجود الفاظ فارسی در غزلهای او، همچنین شروع تاریخ موسیقی عرب با عود فارسی ممکن است نشانه نفوذ دیرین موسیقی ایران در موسیقی عرب و رابطه نزدیک آندو باشد.

از نیمه دوم قرن اول هجری که قسمت‏های عمده ایران و خاورمیانه و مصر و آسیای مرکزی و شمال آفریقا فتح شده و غنائم و برده‏های بی‏شمار در مدینه و دمشق جمع آمده بود، حکام عرب یکباره از چادرنشینی و صحرا گردی و زندگی بین شتران به کاخهای مجلل و دستگاههای پر تجمل و ناز و نعمت رسیدند و به مظاهر جمال و کمال متوجه شده به فکر تقلید از اکاسره و قیاصره افتادند.در کاخهای باشکوه حجاز و شام مهمانی‏های تبذیر آمیز و مجالس ساز و سرور ترتیب یافت و شاعران و مغنیان را از راههای دور دعوت کردند تا بزم‏های شادی را گرم کنند.صیت نغمه دوستی و عطا بخشی خلفا و امرای اموی، همراه با مدایح شاعران درباری در بلاد عرب طنین افکند و سرمایه افسانه‏ها و داستان نامه‏های شرقی گردید.خنیاگران ایرانی و رومی که برای حصول امنیت جانی، ناگزیر به ریسمان ولای عرب چنگ می‏زدند در پایتخت‏های اسلامی گرد آمدند و با عود و بربط و طنبور و چنگ و ارغنون برای تازیان آوازهای نو ظهور خواندند.موسیقی ایرانی شعر تازی را دگرگون کرد و قالب و محتوای آنرا از خشونت بدوی بیرون آورده با زندگی شهری و فرهنگ شهر نشینی هماهنگ ساخت.در حجاز استادانی چون نشیط و طویس و معبد و غریض و ابن سریج و ابن محرز و ابن عایشه و سائب خاثر...نغمه‏های عرب را با عود فارسی نواختند و سرودهای ایرانی و رومی را در غناء تازی تلفیق نموده موسیقی عربی را پی‏ریزی کردند.مدینه و دمشق در اواخر قرن اول، بازار بزرگ برده فروشی و مرکز آموزش و پرورش کنیزکان گرانبها و رامشگر شد و موسیقی دوستی و موسیقی شناسی و رغبت به فرا گرفتن هنر خوانندگی و نوازندگی، بین خلفا و شاهزادگان و شاهزاده خانمها و امرا و حواشی ایشان رایج، و در بلاد اسلامی معمول گردید.

در عصر عباسی، بعد از ظهور نوابغی چون ابراهیم بن ماهان موصلی و پسرش اسحاق و ابراهیم بن مهدی، برادر هارون الرشید، و پیدا شدن نغمه پردازانی چون بشار بن برد و اسماعیل بن یسار و ابو نواس، هنر موسیقی به اوج کمال رسید و نغمه‏هایی ساخته شد که امروز آثار آن در شرق و غرب دنیای عرب باقی است.شاگرد هنرمند اسحاق موصلی، علی زریاب، در حدود سال 210 هجری به مغرب سفر کرد و موسیقی بغداد را در قرطبه و اشبیله و بلاد اندلس و شمال آفریقا رواج داد.

تألیف کتاب در هنر موسیقی و ضبط آوازها و آهنگهای آنها و طبقه‏بندی نغمه‏ها و شرح احوال نغمه‏خوانان و نغمه‏سرایان و فن کاران در اوایل قرن دوم در بغداد آغاز شد و کتابهایی در این زمینه به رشته تحریر درآمد که«أغانی»یعنی ترانه‏ها نام داشت.ظاهرا نخستین کتاب از این نمونه به وسیله یک استاد ایرانی نژاد به نام یونس بن کرد بن شهریار- متوفی در 135 هجری-به نام الاغانی نوشته شده است.بعد از او یک بانوی هنرمند ایرانی به نام«بذل»، دوازده هزار آواز عربی را در کتابی جمع‏آوری کرده آنرا نیز الاغانی نام داد. ابو محمد اسحاق بن ابراهیم موصلی(155-235 ه)ندیم، شاعر، عالم، فقیه، لغوی، مورخ، متکلم، راویه و حافظ ایرانی تبار و بنیان‏گذار موسیقی عرب، علاوه بر تألیف کتب بسیار در موسیقی، آوازهایی را که خود ساخته و خوانده در کتابی به نام الاغانی جمع‏آوری کرده است.کتاب اخبار المغنین یعنی اخبار مغنیان و کتاب الاغانی الکبیر یعنی کتاب بزرگ نغمه‏ها-که فصل اول آن به نام«الرخصه»مسلما به قلم خود اوست-از تألیفات مشهور اسحاق در موسیقی است. معاصر اسحاق، احمد بن یحیی مکی، کتابی به نام مجرد الاغانی و دو ندیم متوکل عباسی، عمرو بن بانه(متوفی در 278 ه)و حسن بن موسی نصیبی نیز کتابهایی به نام الاغانی تألیف کرده‏اند که کتاب نصیبی به ترتیب الفبا مرتب است.در قرن سوم و چهارم هجری تألیفات مهم دیگری هم درباره فن موسیقی و ترجمه احوال فن کاران و فوائد و زیانهای رامشگری تألیف شده است مانند:کتاب القیان تألیف ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ(متوفی در 255 ه)، رسالة فی خبر صناعة التألیف-در دانش ترکیب نغمه‏ها-تألیف یعقوب بن اسحاق کندی(متوفی در 260 ه)، ذم الملاهی- در مذمت لهو و لعب-تألیف ابن ابی الدنیا(متوفی در 281 ه)، کتاب العود و الملاهی-عود و سایر رامشها-تألیف مفضل بن سلمه(متوفی در 290 ه)، کتاب مختار من کتاب اللهو و الملاهی-گزینه‏ای از کتاب رامش و انواع و اسباب آن- تألیف ابن خرداذبه، (متوفی در سال 300 ه)، رسالة فی الموسیقی، تألیف یحیی بن علی منجم فارسی (متوفی در 300 ه)، کتاب العقدالفرید-گردن‏بند مروارید-تألیف احمد بن محمد معروف به ابن عبدربه(متوفی در 328 ه)، کتاب الموسیقی الکبیر-کتاب بزرگ موسیقی-تألیف ابو نصر فارابی(متوفی در 356 ه).

اما جامعترین و بزرگترین دیوان نغمه‏ها و نغمه پردازان عربی تا نیمه قرن چهارم هجری کتاب الاغانی تألیف قاضی ابو الفرج علی بن الحسین بن محمد بن هیثم بن عبد الرحمن بن مروان بن عبد الله بن مروان-آخرین خلیفه اموی-نویسنده، شاعر، موسیقی‏شناس، مورخ و محدث اموی نژاد از اهالی اصفهان است.این کتاب تذکره خوانندگان و نوازندگان و شاعران و قدیمترین منبع موجود برای نغمات و الحان و حاصل زحمت پنجاه ساله مؤلف آن است.

آوازهای عربی را از قدیمترین زمانها تا نیمه قرن چهارم در آن جمع آورده و تفصیل و راه هر آواز و روایاتی که درباره آنها رسیده و اوزان عروضی ترانه‏ها و جنس نغمات را ذکر کرده و مشکلات لغوی هر بیت را شرح داده است.اساس این تألیف جمع صد ترانه از بهترین آوازهای عربی است که برای هارون و واثق عباسی انتخاب شده است.سپس به نقل سایر نغمه‏ها که شعر یا آواز یا آهنگ آن از خلفای اموی و عباسی و فرزندان ایشان و شاهان و وزیران و امیران و شاعران بزرگ است، پرداخته است.اخبار آن بدون تقسیم به ابواب و فصول و بدون ترتیب زمان و رتبه شاعران و هنرمندان یا طبقه‏بندی روایات و قصص و آهنگها، پشت سر هم، و غالبا بدون نقد و اظهار نظر ذکر شده و هر خبر، خود مطلب مستقلی به شمار می‏رود، از اینرو، گاه بعضی خبرها مکرر یا متناقص است و احیانا در الفاظ آنها اختلافاتی به چشم می‏خورد.

با اینکه ابو الفرج مثل استادش ابن جریر طبری هر خبر را با اسناد متصل و رجال و منبع آن به دقت ضبط کرده است، بعض محدثین اهل سنت مثل ابن جوزی و ابن تیمیه به سبب تشیع او، همه اخبارش را تضعیف کرده‏اند.یاقوت حموی نیز از آن خرده گرفته و آورده است که:الاغانی را چند بار به دقت خواندم و آنرا در ده مجلد برای خود نوشتم و مطالب بسیار از آن در تألیف خود اخبار الشعراء نقل نمودم و شرح حالهایی را که نوشته است جمع آوردم.لیکن دیده شد که به چیزی وعده داده اما وفا نکرده است.همچنین از صد آواز بر گزیده فقط نودونه آواز را ضبط نموده و یکی را از قلم انداخته است.

مع دلک کتاب ابو الفرج از زمان حیات مؤلف پیوسته مورد تحسین بزرگان حدیث و ادب بوده و همه با اعجاب و تعظیم از آن یاد کرده‏اند.مثلا صاحب اسماعیل بن عباد نوشته است:این کتاب«مشحون است به نکته‏های نادر و اخبار برگزیده که زاهدان را تفکه است و تفریح و عالمان را فضیلت است و دانش و کاتبان را بضاعت است و تجارت.روایات آن، قهرمانان را دلیری و مردانگی افزاید و ظریف طبعان را صنعت و آموزش دهد و سلطانان را طیبت و لذت بخشد...خزانه کتب من مشتمل بر صد و هفده هزار کتاب است اما از آنهمه فقط الاغانی است که پیوسته مونس و همراه من است.اخبار عرب و عجم را که درین کتاب آمده به دقت بررسی کردم. دیدم از آنچه سایر علما آورده‏اند جامع‏تر است و در سیاق عبارت و جمع و تصنیف و وضع و تألیف قصب السبق را از همگنان ربوده است...»

قاضی احمد بن خلکان گوید:«صاحب بن عباد در هر سفر سی شتر بار، کتاب ادبی با خود می‏برد اما وقتی کتاب اغانی اصفهانی را به دست آورد دیگر جز آن، کتابی با خود نمی‏گرفت.عبد العزیز بن یوسف، کاتب و منشی عضد الدوله دیلمی آورده است که در سفر و حضر هرگز این کتاب از آن پادشاه جدا نشد...»

ابن خلدون در مقدمه تاریخ خویش آورده است که:«به جان خودم سوگند الاغانی دیوان عرب و جامع شتات محاسن و افتخارات گذشته ایشان در جمیع فنون شعر و تاریخ و موسیقی و سایر رشته‏های ادبیات است.تا آنجا که ما می‏دانیم این همان کتاب و همان غایت و هدفیست که هر نویسنده و ادیب به دنبالش می‏رود و در برابرش می‏ایستد اما کجا به آن تواند رسید؟».تقریظهای سایر بزرگان شعر و ادب نیز در همین زمینه است.

الاغانی شامل شرح حال و منتخب آثار بیش از سیصد و سی شاعر نغمه سراست.از مضاض بن عمرو جرهمی-پدر همسر اسماعیل نبی که نامش رعله بود و جده همه عرب مستعربه است-و اصحاب معلقات سبع و سایر شاعران جاهلی و مخضر می و مولد گرفته تا ابو نواس و بحتری و ابو تمام و سایر معاصران مؤلف، نام کمتر شاعر مسلمان یا مشرک یا صابتی یا یهودی یا مسیحی از عرب و عجم است که نامش از قلم ابو الفرج افتاده باشد.

همچنین شرح احوال و آثار بیش از نود خواننده و نوازنده و آهنگساز از زن و مرد در این کتاب مسطور است که بیش از دو ثلث ایشان ایرانی نژاد و از موالی بوده‏اند مانند بسخز رازی و علویه سغدی و ابن سریج و ابن سخر و ابن بانه و عبید الله بن عبد الله بن طاهر ذو الیمینین و ابراهیم بن ماهان موصلی و اسحاق بن ابراهیم و جمیله و سلامه و عزه میلاء و ابن هربذ و دحمان اشقر و حکم وادی و یونس کاتب و حجظة برمکی...که همه ایرانی تبارند.

به علاوه وقایع مهم تاریخ عرب مثل جنگ بکر و تغلب و یوم شعب جبله و یوم کلاب و یوم فجار و نسب یهود مدینه و اخبار بنی ثقیف و جنگ بدر و جنگ احد و مباهله اساقفه نجران با رسول الله ص و جنگ بسوس و اخبار خوارج و قتل عام بنی امیه به دست ابو العباس سفاح...و صدها افسانه و خبر و خرافه در ذیل اخبار ترانه‏سازان و ترانه گویان نقل شده است.

اغانی مأخذ و گنجینه تاریخ و ایام و انساب و مثالب و مآثر و عقاید و اوهام و خرافات و افکار عامه عرب است و بیان می‏کند که موسیقی در صدر اسلام تا زمان اصفهانی، هنری شریف بوده و خلفا و خلیفه زادگان و علما و فقها و زهاد و قراء و محدثین از سماع و اشتغال بدان ابایی نداشتند و تعلیم و تعلم غناء را حرام نمی‏دانستند و خوانندگی و تمرین آواز را در مساجد حتی در مسجد مدینه جایز می‏شمردند و موسیقی را منافی عدالت عدول نمی‏دانستند.

این کتاب خزانه الفاظ و افکار و مضامین و قوافی نظم و نثر فارسی است.افسانه‏های عشقی مثل قصه لیلی و مجنون و عنتره و عبله و نام عرایس الشعر مثل سعدی و سلمی و ثریا و یاد ازدیار یار وزاری بر ربع و اطلال و دمن و آرزوی نسیم شمال و باد صبا و ذکر منازل حجاز و نجدویمن...در شعر فارسی از اخبار الاغانی مایه گرفته و بسیاری از اشعار و امثال آن عینا به ادبیات فارسی منتقل شده است.واژه‏های فارسی مثل برنامج (برنامه)آبنوس، کرج(کره)، نشوار(نشخوار)سکبج و سکباج (سرکه با آش سرکه)، جلنار(گلنار)، دمق(دمه و بوران)، ماجشون(ماهگون)، خیناگر(خنیاگر)، سنبوسج(سنبوسه)، لوزینج(لوزینه، لوزی)، دستان، تخت، دانق(دانگ)، دیباج الخسروی، دبیقی(دیبا)، اصفهیدان(سپهبدان)، زه و زهازه... بطور نمونه چند بیت از ترجمه‏های سعدی از اشعار الاغانی در مقدمه ترجمه فارسی جلد اول الاغانی نقل شده است.

از روایات این کتاب بر می‏آید که بیشتر خوانندگان و نوازندگان قدیم عرب به خصوص ایرانی تباران گرایش به تشیع داشته‏اند و یکی از قسمت‏های مهم آن نقل بعض کلمات و خطب نهج البلاغه لااقل پنجاه سال پیش از تألیف آن کتاب به وسیله شریف رضی است.

ابو الفرج علی رغم تبار امویش در این کتاب همه جا اعتقاد خود را به تشیع ظاهر نموده و از شرح مثالب خلفا و بی‏اعتنایی آنان به همه اصول شرعی و اخلاقی کوتاهی نکرده است.مثلا در آن می‏خوانیم که زنادقه در خلافت اموی چنان نفوذ داشتند که یزید بن عبد الملک را به کیش مانی درآوردند.

از نوادر حکایات این کتاب قصه‏هایی از تاریخ و فرهنگ‏

فارسی عهد ساسانی و نفوذ فرهنگ ایرانی در زندگی و ادبیات عرب بعد از اسلام است.از جمله آورده است که ترانه‏های فارسی تا قرن چهارم هجری به همان زبان در بغداد و در دربار خلافت عباسی خوانده می‏شده است.

چون فصاحت و عربیت الاغانی سرمشق کاتبان و محتوی اصیل‏ترین متون کلاسیک عربست علمای نحو و بلاغت همیشه به آن استناد می‏کنند و سرمایه مطالعه خطبا و شعرا و نویسندگان و علما و فقها و محدثین و قصاصین و مرجع رمان نویسان و نمایشنامه نویسان عرب است و اهل ادب قسمتهایی از آن را از بر می‏کنند.اهمیت این کتاب موجب شده که علما از دیر باز آنرا شرح کرده و هر یک به نیتی به صورتهای مختلف در تلخیص آن کوشیده‏اند.

تازه‏ترین تلخیص آن از مرحوم آیت الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء است که به سال 1330 هجری قمری انتشار یافته و شامل منتخبی از اشعار و اخبار شاعران شیعی مذهب است.نویسنده این سطور اکنون به اشارت شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به ترجمه و تلخیص مجلدات الاغانی-آن قسمت که به تاریخ تشیع و ایران ارتباط دارد- مشغول است و بخش اول آن شامل هشتصد صفحه هم اکنون زیر چاپ است.

\*\*\* کتاب الاغانی نخستین بار به سال 1285 ه-1868 م در بولاق مصر در بیست جزء با فهرست و حواشی به چاپ رسید که چون اشتباهاتی در آن رخ داده بود شیخ محمد محمود شنقیطی محقق مصری طی کتابی به نام تصحیح الاغانی در اصلاح آن اقدام نمود.مستشرق آمریکایی آلمانی‏نژاد«رودلف برونو»(متوفی در 1917 م)با استفاده از نسخ خطی الاغانی مجلد بیست و یکمی هم از آن جمع آوری و چاپ کرد.سپس مستشرق ایتالیائی«گویدی»با همکاری برونو و سایر مستشرقین فهرست جامعی از اشعار و شعرا و خوانندگان و نوازندگان و اعلام تاریخی و جغرافیایی الاغانی به زبان فرانسه مرتب نمود و به سال 1918 م به چاپ رسانید.در بیروت و قاهره و دمشق و بغداد نیز چاپهایی از این کتاب منتشر شد که شرح آنها در معجم المطبوعات العربیه تألیف یوسف الیاس سرکیس، مصر 1928 م و سایر فهارس آمده است.در سال 1323 ه 1905 م مؤسسه دولتی دارالکتب المصریة در قاهره این کتاب را در بیست و چهار مجلد با مقدمه و حواشی و توضیحات و فهارس مختلف منتشر نمود که به چاپ «دارالکتب»معروف است.آخرین تجدید چاپ آن به سرپرستی محمد ابوالفضل ابراهیم و همکاری چند تن از فضلای مصر در سال 1394 ه به پایان رسیده است که متن آن شامل 8858 صفحه و از جلد هفدهم تا بیست و چهارم شامل فهرست‏های مبسوط گوناگون است.همین چاپ است که برای ترجمه و تلخیص الاغانی مورد استفاده نویسنده این سطور می‏باشد.

مؤلف اغانی ابو الفرج علی بن الحسین اصفهانی به سال 284 هجری در اصفهان متولد شد.خاندان وی از دیر باز در اصفهان سکونت داشتند و به فضل و شرف مشهور بودند. بعد از فراگرفتن علوم مقدماتی در زادگاه خویش، برای تکمیل تحصیلات رهسپار بغداد شد و در خانه‏ای کنار دجله رحل اقامت افکند.او از عنفوان جوانی به روایت حدیث و جمع نوادر اخبار رغبت داشت.در بغداد با طبقات مختلف ادبا و شعرا و موسیقی دانان ملاقات و معاشرت نمود و از علمای آن شهر کسب دانش کرد.نام استادان و مشایخ احادیث وی ضمن اسناد روایات اغانی و مقاتل الطالبیین و ادب الغرباء که در دست است ثبت شده و نام چند تن از مشاهیر ایشان چنین است:ابو بکر ابن درید لغوی(متوفی در 321 در بغداد)، ابو بکر انباری، شاعر و نحوی(متوفی در سال 328 ه در انبار عراق)، علی بن سلیمان ملقب به اخفش صغیر نحوی(متوفی در 315 ه)، ابراهیم بن محمد نفطویه لغوی و نحوی(متوفی در سال 323 ه)، محمد بن جریر طبری مورخ و مفسر مشهور(متوفی در 310 ه)، ابو عبد الله مرزبانی مفسر و مورخ (متوفی در 309 ه)، جعفر بن قدامه محدث و کاتب(متوفی در 329 ه)و ابو احمد یحیی بن علی، منجم، ادیب، محدث و متکلم(متوفی در 300 ه).شهرت ابو الفرج به نویسندگی و شاعری سبب شد که رکن الدوله دیلمی او را برای کتابت به ری دعوت نمود و چندی در آن شهر همکار ابن العمید وزیر بود.سپس به تقاضای حسن بن محمد بن عبد الله بن هارون مهلبی(متوفی در 352 ه)وزیر دانشمند و فارسی‏دان معز الدوله دیلمی به بغداد منتقل شد و تا آخر عمر او در ملازمت وی به سر برد.او در بغداد چنان به علم و ادب نامبردار شد که مورخان به اتفاق، تحسین‏های عالی از او نوشتند.یاقوت حموی در معجم الادبا گوید:وی علامه و نسب‏شناس و راویه و جامع بین وسعت روایت و دقت تحقیق بود و حافظه‏ای فوق‏العاده داشت.من هیچ مؤلفی را نمی‏شناسم که آثارش در فنون ادب بهتر و جامعتر از مؤلفات ابو الفرج باشد، به علاوه شاعری شیرین گفتار نیز بود.

ابن خلکان برمکی در وفیات الاعیان آورده است که ابو الفرج از اعیان ادبای بغداد و از مصنفان کم نظیر آن شهر بود.از علمای بسیار که شمردن نامشان به طول می‏انجامد روایت حدیث کرده و به شرح احوال و سیر و انساب رجال وقوف کامل داشته است.

قاضی ابو علی محسن ابن علی تنوخی در کتاب نشوار المحاضره گوید:از شیعی مذهبان هرگز کسی را ندیدم که به اندازه او اشعار و الحان و اخبار و آثار و احادیث و انساب از بر داشته باشد.وی دانشهای دیگری هم داشت که از آن جمله است:لغت و نحو و سیر و مغازی و قصص و آنچه از اسباب منادمت است چون علم جوارح(شناسایی مرغان شکاری)و دام پزشکی و پاره‏ای معلومات طبی و نجوم و اشربه و غیره و با این همه شعر می‏سرود و کلامش متانت و اتقان علماء را با ملاحت غزلسرایان نازک‏خیال در خود جمع دارد.

ابو منصور ثعالبی در یتیمة الدهر گوید:ابو الفرج اصفهانی از اعیان ادبای بغداد و از مصنفان کم نظیر آن شهر بود.

ابن الندیم در الفهرست آورده است که ابو الفرج شاعر و مصنف و ادیب و تا حدی محدث بود.منابع و اسناد روایات او یا کتابهائیست به خط مؤلف و یا اصولیست مورد اتفاق همگان. او مذهب تشیع داشت و در آثار خود شعار شیعه را آشکار می‏نمود.تألیف او مقاتل الطالبیین از اسناد معتبر در شرح وقایع طف و شهادت آل علی ع است.ابن شاکر در عیون التواریخ تصریح نموده که وی شیعی مذهب بود و به مذهب خویش تجاهر می‏نمود.ابن الاثیر هم در کتاب الکامل گوید: او شیعی بود و این موجب تعجب است.ذهبی نوشته است با اینکه از بنی امیه بود مذهب تشیع داشت.علاقه اصفهانی به خدمت آل بویه و حسن مهلبی و لطف آنان به وی نیز از همین عاطفه مذهبی سرچشمه گرفته است.

ابو الفرج مردی منیع الطبع و در عین حال بی‏قید و تا حدی تندزبان بود.حتی نسبت به ابن العمید و مهلبی نیز فروتنی نمی‏کرد و حتی گاهی در شعر خود از ایشان بدگویی و گله می‏نمود.به نظافت جامه و مسکن اعتنایی نداشت و تنها زندگی می‏کرد و هیچ خبری از ازدواج او نرسیده است.قاضی تنوخی آورده است که او مردی اکول بود و هر وقت معده‏اش سنگین می‏شد پنج درم فلفل سائیده مصرف می‏کرد و شفا می‏یافت.نسبت به نخود هم حساسیت داشت و اگر آبگوشت با نخود می‏خورد بدنش جوش می‏زد و آماس می‏کرد و می‏بایست او را فصد کنند تا آن حالت رفع شود.او در سالهای آخر عمر گرفتار اختلال حواس و فالج شد، از اینرو در صحت بعض اخبار او تشکیک نموده‏اند.

معذلک یگانه دوست و حامی او حسن مهلبی تا آخر عمر خود، او را تحمل کرد و هرگز سخن یا حرکتی که موجب رنجش ابو الفرج شود از وی سر نزد.ابو الفرج کتاب الاغانی را چنانکه خود گفته ظرف مدت پنجاه سال جمع آوری کرده است و چون سالهای آخر عمر چنانکه گذشت بیمار بود باید تاریخ اتمام آن قبل از سال 350 هجری باشد.یک نسخه از این کتاب را که به خط خود نوشته بود برای سیف الدوله جمدان امیر حلب که شیعی و هم مذهب او بود فرستاد و هزار سکّه طلا از او جایزه دریافت کرد.حکم مستنصر خلیفه اموی اندلس نیز ضمن ارسال هزار سکّه طلا طی نامه‏ای از ابو الفرج تقاضای نسخه‏ای از اغانی کرد که برای او تهیه و ارسال داشت.

ابو الفرج علاوه بر مقام نویسندگی و تحقیق، شاعری نامبردار و در مدح و هجا و بث شکوی و مفاخرت و وصف مناظر استاد بوده است.گر چه دیوان شعرش جمع‏آوری نشده اما همان مقدار که در کتب تذکره و تاریخ از او باقی مانده ثابت می‏کند که شاعری توانا و شیرین سخن بوده است. شعرش متین و در عین حال ساده است و در مدح و هجاء و تغزل ورثاء، نمونه‏های دل‏آویزی از او باقیست.در منظره سازی و وصف حیوانات چنان موشکافی می‏کند که گویی نقاشی با قلم سحرآمیز خود صورت گری کرده است.مدایح او بیشتر از رکن الدوله و معز الدوله و مهلبی وزیر است.اشعاری هم در وصف گربه و شکایت از موش و سوگ خروس و چند قطعه گله و شکایت و تغزل و عبرت از وی در تذکره‏ها ثبت است.

ابو الفرج هفتاد و دو سال عمر کرد و روز چهاردهم ذیحجه سال 356 ه مطابق بیستم نوامبر 967 م در بغداد بدرود زندگی گفت.با اینکه هم خود او و هم ممدوحانش به زبان فارسی آشنایی و در آن مهارت داشتند آثارش به رسم معمول زمان همه به عربی است.غیر از الاغانی دو اثر ارزنده دیگر از او در دست است.یکی مقاتل الطالبیین که در تهران و نجف و مصر مکررا به چاپ رسیده و دیگری ادب الغرباء است که به اهتمام دکتر صلاح منجد در بیروت به زیور طبع آراسته شده است.ولی در کتب تراجم نام بیست و هفت کتاب دیگر از او ذکر شده که ترجمه عناوین آنها ذیلا نوشته می‏شود:

کتاب نغمه‏ها بدون شرح-کنیزکان رامشگر- غلامان شاعر-کنیزکان شاعر-دیرها و میخانه‏ها- برتری ماه ذیحجه-اخبار و نوادر-آداب سماع-اخبار طفیلیان-اخبار و آثار-مردان و زنان باده فروش-فرق بین آزادگان و فرومایگان-مهمانی تاجران-اخبار جحظه برمکی-نسب بنی عبد شمس-نسب بنی شیبان-نسب مهلبیان-نسب بنی تغلب-نسب بنی کلاب-غلامان و خنیاگران-اختگان نجیب که برای مهلبی و راجع به دو غلام اخته او نوشته است-خرابات‏ها و شراب فروشی‏ها-جمهرة الانساب در انساب قبایل عرب- ایام عرب و جنگ‏های تاریخی ایشان-مهمانی پزشکان- تحف الوسائد فی اخبار الولائد، یعنی تحفه‏های بالشها در اخبار دختران و رساله‏ای در نغمه‏ها.به علاوه ابو الفرج دیوان اشعار ابو تمام و بحتری را به ترتیب موضوع و نوع شعر و دیوان ابو نواس را به ترتیب الفبائی«روی»ها جمع آوری کرده است.

تفصیل بیشتر شرح احوال و آثار ابو الفرج اصفهانی و کتاب الاغانی و منابع این مقاله در مقدمه ترجمه جلد اول آن- که به سال 1356 ه.ش از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طبع و نشر شده-آمده است.